

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران  
۰۹ مارچ ۲۰۲۳

## ۸ مارچ روز جهانی زن: مبارزه برای درهم شکستن زنجیر اسارت زنان و نه تغییر شکل آن

اگر ۸ مارچ روز جهانی زن به خاطر گرامیداشت مبارزه و اعتصاب زنان کارگر نیویورک توسط کلارا زتکین در سال ۱۹۱۰ پیشنهاد شد. اگر ۸ مارچ ۱۹۱۷ مارش زنان کارگر به سمت کاخ تزار، آغازی برای انقلاب سوسیالیستی روسیه شد. ۸ مارچ ۲۰۲۳ در شرایطی فرا می رسد که زنان ایران نقش خیره کننده ای را در خیزش "زن زندگی آزادی" ایفاء کرده و جهان را به شگفتی وا داشته اند. نام زنان با خیزش "ژینا" عجین شد و تاریخ نوینی را رقم زد. این نقش یکبار به وجود نیامد. زنان در ۴۴ سال گذشته درگیر جنگی بوده اند که جمهوری اسلامی از ابتدای به قدرت رسیدنش بر آنان تحمیل کرده است. جنگی که برآیند ستمگری سرمایه داری و بنیادگرائی اسلامی علیه زنان است. زنان هرگز به این جنگ ستمگرانه تمکین نکردند و نسل های متوالی مبارزه ای دائم را علی رغم افت و خیز پیش بردند. زنان از همان ابتداء یورش اولیه مرتجعانه برای حجاب اجباری را با واکنش سریع، عظیم و شجاعانه شان در ۸ مارچ ۱۹۷۹ پاسخ دادند. زنان در بیش از چهار دهه نقش مهم و تعیین کننده ای در شکست ایدئولوژیک و سیاسی جمهوری اسلامی ایفاء کرده اند. شکستی که از بین رفتن مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی را قطعیت بخشید، به آن ابعاد جهانی داد و ضربات مهمی را به اسلام سیاسی در کل وارد کرد. اینک در شرایطی ایستاده ایم که جمهوری اسلامی عمدتاً تنها با اتکاء به قدرت نظامی و سرکوب تلاش دارد حاکمیت خود را حفظ کند و از آن طریق شکست های خود را جبران نماید.

اگر چه خیزش "زن زندگی آزادی" با نقش متهورانه و پیشاهنگ زنان علیه حجاب اجباری گره خورده و دختران و زنان جوان به طور روز افزونی حجاب، پرچم ایدئولوژیک رژیم را در آتش خشم خود می سوزانند، اما مبارزه شان هرگز به حجاب اجباری محدود نمی شود بلکه مبارزه ای است علیه کلیه اشکال و ابعاد ستم که در چهار دهه گذشته با پوست و گوشت خود لمس کرده اند.

جنبش زنان در ۴۴ سال گذشته از پیچ و خم ها و موانع بسیاری عبور کرده است. آنانی را که تلاش کردند تا حجاب زنان را مسأله ای غیر عمده جلوه دهند به کناری زدند. از آنانی که تلاش کردند مسأله حجاب را به مسأله سنت و فرهنگ جامعه تقلیل دهند، عبور کردند. به آنانی که تلاش کردند حقوق زنان را مغایر با دین اسلام ندانند، وقعی ننهاند. آنانی را که برای حقوق زنان به اصلاح طلبان حکومتی و یا آیت الله های "معتدل" اتکا کردند رسوا نمودند. زنان با

جمع‌بندی مبارزات چهار دهه گذشته جنبش را به چنین سطحی رسانده اند. جنبش زنان علی‌رغم صعود به یکی از قله های خود در خیزش اخیر همچنان با خطرات عدیده ای روبه‌رو است. مسلماً زنان پیشرو و مبارز با اتکاء به تجربه غنی خیزش انقلابی، ارتقاء جنبش زنان به سطحی کیفی‌تاً بالاتری را احساس می‌کنند. به خصوص از این نظر که جنبش زنان و اتحادی که میان مردم و جنبش زنان ایجاد شده از دو سوی عمده با خطرات و تهدیداتی جدی روبروست. از یک سو از طرف رژیم ارتجاعی و ضد زن جمهوری اسلامی و از سوی دیگر از طرف جریان‌های ارتجاعی راست و وابسته به امپریالیست‌ها.

جمهوری اسلامی که از خیزش ژینا بسختی زخم خورده است با حمله کیمیائی به مدارس دختران، دانشگاه‌ها و خوابگاه های دانشجویان دختر ضد حمله آشکاری را علیه زنان و خیزش ژینا آغاز کرده است. همه شواهد حاکی از آن است که این یورش همه جانبه علیه نقش زنان در جامعه در شرایط کنونی است که هر روز گسترده‌تر می‌شود و مسؤولان جمهوری اسلامی به غیر از متهم کردن نیروهای مخالف، حتی حرکتی نمایشی هم برای جلوگیری از این عملیات زن ستیزانه تا به امروز به عمل نیاورده اند. جمهوری اسلامی با این عمل وحشیانه به شکل آشکاری اعلام می‌کند که در تلاش طالبانی کردن جامعه است و اهدافی ستراتژیک را در نظر دارد.

از سوی دیگر نقشه‌ها و توطئه‌های ارتجاعی وابسته به امپریالیست‌های غربی از جمله سلطنت طلبان و دلالان سیاسی متحد آن در صدد ضربه زدن به جنبش زنان هستند. این جریان‌ها، چند زنی را که با جنبش و مبارزات انقلابی زنان ایران بیگانه بوده اند پیش انداخته و با اتکاء به منابع مالی امپریالیستی و تبلیغات بی‌وقفه و رسانه‌های وابسته به آنها در صددند تا این عناصر را با حقه و فریب به عنوان رهبران جنبش زنان معرفی کنند. زنانی که تلاش می‌کنند تا دشمنان مردم و انقلاب ایران را به عنوان دوستان و حامیان خیزش معرفی کنند. آنانی که از زنان ایران می‌خواهند تا به درگاه امپریالیست‌ها دخیل ببندند تا از این طریق خیزش زنان را به سرقت برند و بتوانند ضربات مستقیم و غیر مستقیمی را بر جنبش زنان و اتحاد و یکپارچگی مردم وارد آورند.

با توجه به خطراتی که جنبش زنان را تهدید می‌کند مبارزه در دو جبهه ضروری است. از یک طرف ادامه مبارزه زنان در مقابل حملات ضد زن و کودک کش رژیم جمهوری اسلامی و برپائی کارزارهای تهاجمی برای تحمیل شکست دیگری به جمهوری اسلامی و در خدمت به سرنگونی اش. از طرف دیگر مبارزه با راست گرایان ارتجاعی وابسته به امپریالیست‌ها، با کشیدن خط تمایز روشنی میان خواسته‌هایی که به رهائی واقعی زنان مربوط می‌شود با خواسته‌هایی که تنها شکل اسارت زنان را تغییر می‌دهد. این خط تمایز به طور اجتناب ناپذیری در شعارها و اشکال مبارزه انعکاس می‌یابد.

در حقیقت ستم و تبعیض علیه زنان بسیار فراتر از رفع حجاب اجباری و حتی فراتر از تغییر و یا حتی سرنگونی جمهوری اسلامی است. رهائی واقعی زنان در گرو یک انقلاب واقعی است. انقلابی که مناسبات سرمایه داری و دیگر روابط استثمار را هدف خود قرار می‌دهد. هنگامی که رهائی زنان با انقلاب واقعی مادیت می‌یابد پیش‌گذارند "زن انقلاب رهائی" خط تمایزی خواهد بود تاراه نفوذ آنانی که فرصت طلبانه خود را در پشت زن زندگی آزادی پنهان کرده و تلاش می‌کنند خط میان دوستان و دشمنان و راه رهائی واقعی زنان با راه امپریالیستی را مخدوش کنند مسدود و محدود نمایند.

در روز جهانی زن همچنین جا دارد که از زنانی یاد کنیم که قربانی اشکال متنوع ستم و خشونت در اقصی نقاط جهان هستند. اشکالی از ستم که تحت سلطه و هدایت سرمایه و در خدمت استثمار و کسب سود علیه زنان از افغانستان، هند و فیلیپین ... در آسیا گرفته تا افریقا و امریکا علیه زنان اعمال می‌شود. ما همبستگی و حمایت خود را از مبارزات

همه این زنان علیه ستمگران شان برای رهائی از اسارت ابراز می کنیم. زنانی که اسیر بنیادگرایی مذهبی می باشند. زنانی که بدن های شان به کالاهائی برای سود سرمایه داران مبدل شده است. زنانی که بدن های شان به اشکال مختلف به خرید و فروش گذارده می شود. زنان جوان و دخترانی که برای ارائه سکس و لذت مردان به کشورهای اروپائی و امریکائی جائی که بالاترین مصرف و بازار را دارد توسط شبکه های قدرتمند جهانی تجارت می شوند. زنانی که مورد خشونت های دولتی و خانگی قرار می گیرند. کودکان و دختران نوجوانی که در سنین پائین و با اجبار تحت نام ازدواج به فروش می رسند، دختران و زنان جوانی که قربانی قتل ناموسی می شوند، زنانی که قربانی ناقص سازی جنسی اند، زنانی که به خاطر ممنوعیت سقط جنین جان شان را از دست می دهند و لیست بی پایانی که در اشکال ستم بر زن در جهان امروز موجود است.

اینک در این شرایط مبارزاتی بیش از هر زمان دیگر سازمان یابی زنان حول یک تشکل مستقل توده ئی که برای رهائی از هر نوع اسارتی مبارزه می کند احساس می شود. تشکلی که مبارزاتش هم سو و در خدمت انقلابی واقعی برای دگرگونی اساسی در حاکمیت سرمایه باشد. این مسیری است برای زنان و مبارزانی که خواهان رهائی و درهم شکستن زنجیر اسارت هستند و نه تغییر شکل آن.

شکستن این زنجیر اسارت در گرو برقراری جامعه ای است که مناسبات سرمایه داری در آن سرنگون و مناسبات نوینی تحت حاکمیت پرولتاریا که همان جامعه سوسیالیستی است جایگزین آن می شود. جامعه ای که در خدمت منافع پرولتاریا و زحمتکشان سازماندهی می شود. منافع پرولتاریا در آن است که کلیه مناسبات ستم گرانه از جمله اشکال متنوع مناسبات پدرسالارانه و ستم بر زنان و سلطه مرد برزن از بین برود. برای تحقق چنین جامعه ای بکوشیم و مبارزات خود را در مسیر خدمت به آن سازماندهی کنیم.

**جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران**

**۸ مارچ ۲۰۲۳**

**۱۷ اسفند- حوت- ۱۴۰۱**